

Challenges to international humanitarian law: Israel's occupation policy

سیاست اشغال‌گری اسرائیل: چالش‌های پیش روی حقوق بین‌الملل بشردوستانه^۱

پیتر مائورر^۲

رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ

پیچیدگی چشم‌انداز بشردوستانه‌ی هر دم متغیر در منطقه خاورمیانه – جایی که آثار بی‌ثباتی و مناقشه‌های همیشگی، به ندرت به چارچوب یک کشور محدود می‌شود – مهم‌ترین نگرانی سازمان‌های بشردوستانه از جمله کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است.

ادامه‌ی نبرد در سوریه، به سطح بی‌سابقه‌ای از آوارگی و نابودی در منطقه‌ای منجر شده است که عملاً در بیشتر دوران جدید، از اشکال مختلف آشوب‌های خشونت‌آمیز در عذاب بوده است. فاجعه‌ای انسانی که در سوریه آشکار شده است، تبعات بلندمدتی برای آن کشور و نیز کشورهای همسایه دارد. شمار زیاد افرادی که برای فرار از جنگ، از مرزها می‌گذرند و آوارگان پر تعداد در سوریه، فشار مضاعفی بر جوامع و دولت‌های میزبان می‌آورد. فقدان پیشرفتی محسوس در حوزه‌های سیاسی و بشردوستانه، تأثیر ژرفی بر منطقه خواهد داشت و بر توازن شکننده‌ی قومی و مذهبی در جوامع متعدد [منطقه] اثر می‌گذارد.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، به نحو ویژه‌ای به موقعیت لبنان توجه دارد که میزبان صدها هزار پناه‌جو در بحبوحه آرامشی ضعیف در میان گروه‌های مختلف است. عامل دیگر نگرانی، وخامت شدید وضعیت در عراق است، جایی که ادعا شده احیای خشونت‌های فرقه‌ای اثر مرگ‌بار خود را گذاشته است.

برای بسیاری، بی‌ثباتی منطقه‌ای ناشی از بهار عربی [که] در مصر، یمن، بحرین یا تونس وجود داشت، خشنودی تحول اجتماعی را طولانی‌تر خواهد کرد. در حالی که این تحول، اهمیتی حیاتی در پرداختن به نیازها و مطالبات فزاینده اکثریت وسیعی از مردم دارد – یعنی آن‌هایی که زیر 30 سال هستند – به نظر می‌رسد که دولت‌ها برای تعامل با این نیازها و یافتن راه‌حلی ابتکاری جهت رفع فقر مهارگسیخته، بیکاری و خدمات بی‌ثمر اجتماعی به اندازه کافی آماده نشده‌اند.

¹ برگردان به فارسی سیامک کریمی

² Peter Maurer

شاید طولانی‌ترین و جان‌سخت‌ترین وضعیت بشردوستانه در منطقه، انزوای مستمر مردم فلسطین باشد که در کرانه باختری و نوار غزه تخت اشغال زندگی می‌کنند یا در کمپ‌های پناهندگی سراسر منطقه آواره هستند. وضعیت تیره و تاریک آن‌ها، هرچه بیشتر نیاز به یافتن گام‌هایی عملی برای بازسازی سرمایه انسانی در میان گروه‌های فلسطینی را نشان می‌دهد؛ گام‌هایی که برای ایجاد امیدواری و ثبات در کل منطقه ضروری هستند.

همه این وضعیت‌ها، باید برخلاف پس‌زمینه‌ی نظم بین‌المللی که در معرض تحولی عمیق قرار دارد، تلقی شود؛ [یعنی] نقل مکان مراکز قدرت به شرق و جنوب و تغییر نظام سنتی بین‌المللی به سوی یک جهان چند قطبی. به نحوی جدی، تجزیه‌ی پایه‌های قدرت سنتی، مانعی در برابر ثبات و استحکام دولت‌های ضعیف به شمار می‌آید و خطر ناآرامی‌های مدنی و حتی جنگ را در محیط کنونی جهانی افزایش می‌دهد. این رویدادها، طبیعتاً چالش‌هایی غیرعادی برای دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و نظام‌های حقوقی ایجاد خواهند کرد.

هرگونه تلاش برای صلح و سعادت، بدون تجدید تعهد دولت‌ها به پرداختن به نابرابری‌های فزاینده اجتماعی و دیگر علل بی‌ثباتی در منطقه، بی‌ثمر باقی می‌ماند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، به عنوان یک سازمان بشردوستانه بی‌طرف و مستقل، تنها می‌تواند به طرف‌های این درگیری‌ها یادآوری کند که بدون رعایت اصول بنیادی حقوق بشردوستانه در این روزهای دشوار، بسیار بعید است که جوامع مختلف، راهشان را به سوی سازش پیدا کنند یا آن که آماده باشند پس از دهه‌ها درگیری، در مسئولیت سنگین صلح سهیم شوند. از آنجا که هسته‌ی عرفی این حقوق، قدیمی‌تر از نظام دولت‌بنیاد آن است، ماهیت ویژه و اهمیت فوق‌العاده حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه‌ی کنونی، مشروعیتی و رای نظام بین‌المللی موجود فراهم می‌آورد. حقوق بشردوستانه به هیچ عنوان منسوخ نشده و بسیار شبیه به مجموعه حقوقی معاصر و مبتنی بر آینده است.

در حالی که رعایت حقوق بشردوستانه، عنصری حیاتی در حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه و ترویج ثبات در چنان موقعیت‌هایی است، تحلیلی انتقادی از سیاست‌های زیربنایی وضعیت موجود در دولت‌های متأثر از مخاصمات نیز غیر قابل اجتناب است.

به ویژه با توجه به وضعیت اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی، چالش‌های خاص پیش روی اقدامات بشردوستانه نمی‌تواند بدون توجه صادقانه به برخی سیاست‌های اسرائیل که به خصیصه اصلی اشغال بدل شده است، مرتفع شوند.

اسرائیل قریب به نیم قرن، «اقتدار عملی»^۳ بر کرانه باختری و نوار غزه اعمال کرده که [همین موضوع] حضورش را در این مناطق، به یکی از طولانی‌ترین اشغال‌های نظامی مستمر در تاریخ مدرن تبدیل کرده است. در حالی

³ Actual Authority؛ کنوانسیون لاهه 1907 مشخص می‌کند «یک سرزمین هنگامی که عملاً تحت اقتدار ارتش دشمن قرار گیرد، اشغال شده محسوب می‌شود.» شکل دولتی که قدرت اشغالگر به وسیله‌ی آن اقتدار حکومتی را بر سرزمین اشغالی اعمال می‌کند، «حکومت نظامی» نامیده می‌شود.

که وضعیت و درجه‌ی این اشغال نظامی متفاوت بوده، اسرائیل مستمراً کنترل مؤثرش را بر مناطقی که در نتیجه‌ی جنگ شش روزه در سال 1967 به اشغال درآمدند و بر جمعیت فلسطینی که در آنجا زندگی می‌کنند، حفظ کرده است.

فشار مستمری که اشغالگری اسرائیل بر جمعیت فلسطینی تحمیل می‌کند، اثر عمیقی هم بر فلسطینی‌ها و هم بر اقتصاد، فرهنگ و جامعه اسرائیل دارد. علاوه بر تکرار خشونت مسلحانه افراطی، اندوه ناشی از آن در میان مردمان قربانی و آسیب روحی در کل جامعه [و] فقدان پیشرفت نسبت به نگرانی‌های اصلی حقوق بشردوستانه، هرچه بیشتر نمایانگر ناتوانی نسلی از تصمیم‌گیران برای یافتن راه‌هایی سازنده در جهت ایجاد بهبودهایی در زندگی میلیون‌ها فلسطینی است.

همزمان، جمعیت اسرائیلی باید با مشکلات و چالش‌های امنیتی گوناگون و تهدیدهایی ناشی از دهه‌ها حملات مستقیم علیه غیرنظامیان و حملات فاقد تفکیک سر و کار داشته باشد که توسط گروه‌های مختلف فلسطینی انجام می‌شود و به از دست رفتن حیات غیرنظامیان و رنج غیرقابل انکار [آن‌ها] منجر می‌شود.

نقش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ این است که با طرف‌های این درگیری برای تضمین اجرای مناسب حقوق بشردوستانه در این موقعیت‌ها کار کند؛ تا راه‌هایی عملی برای ارتقای زندگی، سلامتی و حیثیت قربانیان بیاید؛ و در جایی که نیاز است، خدمات بشردوستانه‌اش را ارائه کند. ارائه کمک بشردوستانه در کنار حمایت در برابر نقض‌های حقوق بشردوستانه قرار می‌گیرد و به ممانعت از وقوع نقض‌های [حقوق بشردوستانه] از همان وهله نخست مشغول است.^۴

همان‌گونه که از نام حقوق بین‌الملل بشردوستانه برمی‌آید، این حقوق اصولاً برای خدمت به منافع بنیادین بشردوستانه جمعیت‌های قربانی مخاصمات مسلحانه، طراحی شده است. این جمعیت‌ها، چه در اثر تصرف یا اشغال، آواره شده باشند، و چه با حملات نیروی مسلح منظم یا گروه‌های شورشی روبه‌رو باشند و چه در بازداشت باشند یا به گروگان گرفته شده باشند، نیاز مبرم به حمایت دارند. جامعه بین‌المللی به خوبی از خطرات همیشگی مخاصمات مسلحانه که مشخصه‌شان خشونت غیرقابل پیش‌بینی است، آگاه است. هدف حقوق بشردوستانه، وضع مجموعه‌ای از معیارهای تخطی‌ناپذیر بشری، همچنین حفظ و صیانت از ارزش‌های اساسی حتی در بحبوحه خشونت‌های دهشتناک است.

حقوق بشردوستانه به معنای برقراری توازن میان ضرورت نظامی و ملاحظات بشردوستانه است. این حقوق، اقدامات نظامی‌ای را که ایجاد تغییرات دائمی در سرزمین‌های اشغالی؛ اجبار مردم به ترک منازلشان یا تصرف

^۴ برای اطلاعات بیشتر درباره فعالیت‌های کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به سود جمعیت‌های قربانی مخاصمات مسلحانه و دیگر موقعیت‌های خشونت آمیز ن.ک: www.icrc.org/eng/what-we-do/index.jsp. همه ارجاعات اینترنتی در آوریل 2013 انجام شده‌اند.

غیرقانونی سرزمین یا غارت منابع از جوامع را هدف دارند، مجاز نمی‌داند. حقوق بشردوستانه وسیله‌ای است برای حمایت از حیات و حیثیت غیرنظامیان و رزمندگان و خواهد بود و بنابراین لمحہ‌ی ثبات در بحبوحه مخاصمات به شمار می‌آید.

واضح است که این یک مأموریت دشوار است. در نگاه نخست، درخواست از نیروهای نظامی برای پایان دادن به تهدیدهای موجود نمی‌تواند به آسانی با ضرورت‌های مربوط به هدف‌گیری تفکیکی و کاربرد متناسب زور طبق معاهدات بشردوستانه بین‌المللی متعادل گردد. در این خصوص، اگر «پیروزی»، در چارچوب اهداف امنیتی بلندمدت مشروع یک دولت، تعریف و طبق حقوق بین‌الملل مورد تأیید قرار بگیرد، اغلب فرماندهان نظامی موافق خواهند بود که احترام به قواعد بنیادی حقوق بشردوستانه، مؤلفه ضروری عملیات‌های نظامی پیروزمندانه خواهد بود.

با وجود این، در دوران تروریسم و عملیات‌های ضدتروریستی، اهداف سیاسی عملیات‌های نظامی به نحو فزاینده‌ای بر دستاورد عملیات‌های نظامی مشخص مبتنی می‌شوند. نابودی تهدیدها به هدف غائی استراتژی‌های سیاسی تبدیل می‌شوند بدون آن که بصیرت آنچنانی‌ای درباره چگونگی توجه به تعارضات و بازگشت ثبات [وجود داشته باشد]. در این چارچوب، موجه است که پرسیده شود چگونه می‌توان به توازنی قابل قبول میان ملاحظات ذاتی بشردوستانه و اهداف امنیتی و سیاسی کوتاه‌مدت رسید.

این‌ها پرسش‌هایی حیاتی هستند که فاقد پاسخی مستقیم هستند. از منظر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، نکاتی کلیدی وجود دارد که برای حفظ چارچوب مقرر شده برای هدایت مخاصمات و اشغال نظامی ضروری هستند و از این طریق معیارهای بنیادین بشریت را در مخاصمات تضمین می‌کنند.

نخست و بیش از هر چیز، قواعد مقرر در کنوانسیون‌های ژنو 1949 بازتاب معیارهای حقوقی جهانی به رسمیت شناخته شده از سوی دولت‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی است که در مخاصمات مسلحانه و اشغال نظامی از اهمیت بسیاری برخوردار است.

در سرزمین اشغالی فلسطین – یعنی کرانه باختری، شرق اورشلیم (بیت‌المقدس) و نوار غزه – چارچوب حقوقی قابل اجرا، حقوق اشغال متخاصمانه است. این حقوق، مشتمل بر قواعد مقرر در کنوانسیون‌های لاهه 1907، کنوانسیون چهارم ژنو و حقوق بشردوستانه عرفی می‌شود. مقررات اخیر، چارچوب حقوقی الزام‌آوری است که به صورت جهانی و دقیق مورد پذیرش قرار گرفته و رعایت حیات و شأن انسان‌هایی را که تحت اشغال نظامی زندگی می‌کنند، تضمین می‌کند.

در حالی که دولت اسرائیل مستمراً به این موضوع معترض است که کنوانسیون چهارم ژنو رسماً⁵ در موقعیت جاری در سرزمین اشغالی فلسطین قابل اجرا نیست، اما با وجود این، اجرای عملی⁶ آنچه را که «مقررات بشردوستانه» کنوانسیون [چهارم ژنو] می‌نامد، پذیرفته است. مضاف بر این، دیوان عالی اسرائیل مشخص کرده است که برخی مقررات این کنوانسیون همانند قواعد کنوانسیون لاهه 1907، بازتاب حقوق بشردوستانه عرفی هستند و در نتیجه نسبت به مقامات [حاکم بر] این سرزمین‌ها الزام‌آورند.

علاوه بر برخی مباحث حقوقی خاص درباره قابلیت اجرای مقررات مشخصی از کنوانسیون چهارم ژنو نسبت به وضعیت سرزمین اشغالی فلسطین - که از منظر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ هیچ تردیدی در آن نیست - مدخلیت حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیز مطرح است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ باور دارد که اجرا و رعایت حقوق بشردوستانه عرفی - که به هیچ عنوان نقش نوشارو را ندارد - به نحو قابل توجهی رنج بشریت را نزد هر دو طرف کاسته و به احیای اعتماد کمک می‌کند و نهایتاً بهترین امکان برای مهیا ساختن زمینه‌ای برای راه حل صلح‌آمیز اختلافات را ارائه می‌دهد.

مسئله‌ای حیاتی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که چه گام‌هایی برای احیا و ارتقای شرایط زندگی جمعیت‌های قربانی در پرتو این دیدگاه مورد نیاز است که هم رعایت حقوق اساسی این جمعیت را تضمین کند و هم افقی برای حل سیاسی اختلافات به دست دهد.

در این اوضاع و احوال، موضعی که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در طی سال‌ها نقض متناوب حقوق بشردوستانه در سرزمین اشغالی فلسطین ارائه کرده است، مهم باقی می‌ماند. از زمان آغاز اشغال کرانه باختری (از جمله شرق اورشلیم [بیت‌المقدس] توسط اسرائیل و نوار غزه در سال 1967، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به صورت منظم نقض‌های حقوق بشردوستانه توسط همه طرف‌های مخاصمه را مشاهده و گزارش کرده، [و] در حالی که کمک بشردوستانه فراهم کرده و از مردمانی که تحت اشغال زندگی می‌کنند، حمایت می‌کند، به طور مرتب توصیه‌هایی برای اقدامات اصلاحی پیشنهاد کرده است.

یکی از ویژگی‌های مهم اشغال [فلسطین]، سیاست شهرک‌سازی دولت اسرائیل است. موضع علناً بیان شده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ این است که این سیاست در حد نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی به ویژه مقرر کنوانسیون چهارم ژنو مبنی بر ممنوعیت انتقال بخشی از جمعیت قدرت اشغالگر - در این مورد شهروندان اسرائیل - به سرزمین‌های اشغالی است. مراد از این مقرر، ممانعت دولت اشغالگر از تغییر الگوی اقتصادی، جمعیتی و اجتماعی سرزمین تحت اشغال به ضرر منافع جمعیتی است که در آنجا زندگی می‌کنند. حمایت سرسختانه و نظام‌مند دولت اسرائیل در طی سال‌ها از ایجاد شهرک‌سازی‌ها از جمله تصرف سرزمین،

⁵ de jure

⁶ de facto.

به نحو موثری به این تخطی منجر شده است: تغییر گسترده چشم‌انداز اجتماعی و اقتصادی کرانه باختری که مانع از توسعه آن‌ها به عنوان یک ملت خودکفا شده و افق‌های آینده برای سازش را از بین می‌برد.

دیگر ویژگی اشغال [فلسطین]، ساخت دیوار حائل در کرانه باختری است. این دیوار حائل، تا اندازه‌ای که از خط سبز برقرار شده در پایان جنگ اسرائیل-اعراب در سال 1948 منحرف می‌شود، نه تنها حقوق بشردوستانه بین‌المللی را نقض می‌کند بلکه علاوه بر آن، شرایط زندگی جمعیت‌های قربانی را نیز از میان می‌برد- آن‌ها را از ارتباطات عادی اقتصادی و اجتماعی محروم کرده و مانعی برای دسترسی به مشاغل، مدارس، مراکز مراقبت سلامت و مکان‌های مذهبی‌شان است. این واقعیت که این دیوار حائل - که کل طول آن بیش از دو برابر خط سبز 315 کیلومتری است- به عمق سرزمین فلسطین رسیده است، به نحو فاحشی آزادی رفت‌وآمد در برخی مناطق کرانه باختری را محدود و عملاً این سرزمین را به قطعاتی جدا افتاده از یکدیگر تبدیل می‌کند. توسعه همزمان شهرک‌سازی در سرتاسر کرانه باختری، بوسیله شبکه جاده‌ای همین شهرک‌ها، به نحو موثری انزوای جمعیت‌های فلسطینی را تشدید کرده است.

موضع کمیته بین‌المللی صلیب سرخ⁷ - که ساخت و اداره این دیوار حائل متضمن تخطی‌های گوناگون از مقررات حقوق بشردوستانه از جمله ممنوعیت اقدامات امنیتی نامتناسب، تخریب و مصادره اموال، و محدودیت دسترسی به زمین، کار و خدمات اساسی- به هیچ عنوان منحصر به فرد نیست. مثلاً، رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در سال 2004 بیان کرد که دیوار حائل کرانه باختری، ناقض تعهدات حقوقی گوناگون اسرائیل از جمله قواعد حقوق بشردوستانه است.⁸

آثار اشغال به طور ویژه برای فلسطینی‌هایی که از زمان اشغال بخش‌های شرقی در سال 1967 در شرق اورشلیم [بیت‌المقدس] - که به تدریج موانع محلی آن افزایش پیدا کرد و الحاق آن در سال 1980 رسمی شد- زندگی می‌کنند، عیان‌تر بوده است.

این الحاق - که طبق حقوق بین‌الملل عمومی ممنوع است⁹ - نمی‌تواند فلسطینی‌های ساکن در آنجا را از حمایت طبق کنوانسیون چهارم ژنو محروم کند.¹⁰ به هر حال، عملاً محدودیت‌های تحمیلی نسبت به

⁷ 'Israel/Occupied and Autonomous Palestinian Territories: West Bank Barrier causes serious humanitarian and legal problems', Press Release No. 04/12, 18 February 2004, available at: www.icrc.org/eng/resources/documents/news-release/2009-and-earlier/5wacnx.htm.

⁸ 'Legal Consequences of the construction of a wall in the Occupied Palestinian Territory (July 2004)', available at: www.icj-cij.org/docket/index.php?pr=71&code=mwp&p1=3&p2=4&p3=6.

⁹ See UNSC Res. 242 of 1967, available at: <http://unispal.un.org/unispal.nsf/0/7D35E1F729DF491C-85256EE700686136>.

¹⁰ See 'Illegal Israeli actions in occupied East Jerusalem and the rest of the Occupied Palestinian Territory', statement by the ICRC at the United Nations General Assembly, resumed tenth emergency special session, New York, 13 November 1997, available at: www.icrc.org/eng/resources/documents/misc/57jntp.htm.

برنامه‌ریزی شهری، مجوزهای سکونت و دسترسی به کرانه باختری، فشاری مستمر بر جامعه فلسطینی وارد کرده است که نمی‌تواند پس از دهه‌ها اشغال به یک زندگی عادی منجر شود.

نهایتاً، موقعیت اجتماعی و اقتصادی جمعیت ساکن در نوار غزه، نمایانگر یکی از غمبارترین جلوه‌ها در منطقه است. حتی اگر اسرائیل هیچ حضور دائمی در نوار غزه از زمان خروج رسمی‌اش [از این منطقه] در سال 2005 نداشته باشد، اما عملاً کنترل مؤثر خود را بر نوار غزه و مرزهای آن از سال 1967 حفظ کرده است. علاوه بر این، اقدامات زورمدارانه مختلفی را به کار بسته است که ممانعت از توسعه نوار غزه را تداوم می‌بخشد. این اقدامات مسدودکننده، شدیداً ارتباط اقتصادی و اجتماعی با کرانه باختری را محدود کرده و تلاش‌ها برای تثبیت وضعیت اجتماعی را به تحلیل برده است. آن‌ها همچنین، مانع از تلاش‌ها برای پدیداری مراکز دموکراتیک تحت اداره فلسطینی‌ها در سراسر منطقه شده‌اند. به نظر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، اسرائیل همچنان به تعهدات طبق حقوق اشغال که متناسب با میزان کنترلی است که [بر سرزمین اشغالی] اعمال می‌کند، متعهد است.

با وجود آن که در خصوص آثار بشردوستانه ادامه حصر نوار غزه تغییر اساسی دیدگاه‌ها و همکاری‌های فنی به وقوع پیوسته، اما کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از برقراری هرگونه گفت‌وگوی مؤثر با دولت [ارژیم] اسرائیل درباره آثار الحاق شرق اورشلیم [بیت‌المقدس] بر فلسطینی‌ها ناتوان است، این الحاق، ریشه در دیوار حائل کرانه باختری و حضور و توسعه بیشتر شهرک‌سازی‌های اسرائیل دارد. بنابراین، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ارتباط‌گیری با جامعه مدنی، نظام دانشگاهی و اسرائیلی‌ها را انتخاب کرد تا موضع‌اش را درباره تعارض میان حقوق بین‌الملل بشردوستانه و سیاست‌های دولت [ارژیم] اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی توضیح دهد. از نقطه نظر بشردوستانه، هر یک از این سیاست‌ها، آثار پیچیده و مجزایی دارند. بدون تردید، مهم‌ترین ویژگی مشترک این سیاست‌ها، از دست رفتن سرزمین فلسطین به صورت دائمی است که با محدودیت‌های شدید به لحاظ رفت‌وآمد و دسترسی به خدمات همراه شده است. توزان جمعیتی و نقشه فیزیکی سرزمین اشغالی فلسطین در طی سال‌ها آشکارا به ضرر جمعیت‌های فلسطینی تغییر کرده است.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، قطعاً نیاز دولت اسرائیل به تضمین امنیت مردمان و سرزمین‌اش را به رسمیت می‌شناسد. این حق لاینکف هر دولتی است اما با این فراست که هر نوع اقدامات برای تضمین امنیت ملی باید در انطباق با قواعد و رویه‌های مقرر شده توسط حقوق بین‌الملل باقی بماند. هیچ استثنایی نسبت به رعایت قواعد حقوق بشردوستانه وجود ندارد، [و] این موضوع به این حقوق، خصلت بشردوستانه منحصر به فرد و جهانی داده است.

دیوار حائل کرانه باختری یک نمونه بارز است. به روشی که این دیوار طراحی، ساخته و عملیاتی شده است، نمی‌تواند همچون وقوع غیرقانونی شهرک‌سازی‌ها به عنوان اقدام امنیتی توجیه و تحکیم و دوام آورد. تبعات جمعی این دیوار، به آثاری منجر شده که اندازه و شدت آن، بی‌تناسب با آن چیزی است که می‌تواند ملاحظات امنیتی مشروع اسرائیل به شمار آید. این دیوار، به نوبه خود، نمی‌تواند با تعهدات قدرت اشغالگر منطبق باشد.

همان‌طور که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ شاهد سقوط منطقه خاورمیانه به بی‌ثباتی بیشتر و خشونت‌های مسلحانه است – همراه با احیای ایدئولوژی‌های افراطی که مدعی توجیه خشونت غیرقابل توصیف علیه غیرنظامیان هستند – نگرانی‌هایی عمده‌ای درباره سرزمین‌هایی ناشناخته دارد که قدرت و سلطه نظامی نامحدود در آنجا، غلبه خواهد کرد.

حقوق بشردوستانه احتمالاً آخرین سنگر در برابر چنین سوءاستفاده‌های غیرقابل بخشودنی است. گرچه این حقوق، هرگز هیچ دولتی را از حفظ امتیازهای ویژه امنیتی‌اش در شرایط بحرانی منع نمی‌کند، اما نه فقط حداقل چارچوب حقوقی الزام‌آور بلکه همچنین فضایی برای تفکر و تعهد حیاتی نسبت به آثار انسانی سیاست‌های امنیتی را ارائه می‌دهد. بنابراین، بسیار مهم است که گفت‌وگوی مؤثر و واقعی در همه سطوح در این باره انجام شود که چگونه سیاست‌ها و رویه‌های استوار طرف‌های یک مخاصمه واقعاً همگام با مقررات بنیادین حقوق بشردوستانه باشد.

نقش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در چنین گفت‌وگوهایی، پرسش‌های موجهی درباره سیاست سنتی رازداری را به میان می‌آورد.¹¹ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، همانند دیگر نقاط عالم، کاملاً متعهد به انجام گفت‌وگوی دوجانبه محرمانه با همه طرف‌ها درباره ملاحظات بشردوستانه است، برای آنکه فضایی در جهت ارتقای عملی [وضعیت مخاصمه] به دست دهد. قطعاً، هدف رازداری، امکان مذاکرات صادقانه در فضایی از اعتماد است تا همراه با طرف‌های مورد نظر، بهترین رویه‌های ممکن [برای ارتقای عملی وضعیت مخاصمه] جست‌وجو شده و نهایتاً راه حل عملی مطابق با هنجارها و معیارهای بین‌المللی یافت شوند. این موضوع در وضعیت‌های مخاصمه مسلحانه‌ای اهمیت عملی دارد که در برخی اوقات، معضلات دشواری پیش روی کسانی می‌گذارد که مسئولیت اجرای این حقوق را برعهده دارند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ قصد دارد چه در وضعیت مخاصمات فعال، چه تصرف سرزمین یا توسل به زور، شریک مطمئنی برای حصول این مذاکرات حساس باشد. چنین

¹¹ See 'Action by the International Committee of the Red Cross in the event of violations of international humanitarian law or of other fundamental rules protecting persons in situations of violence', in International Review of the Red Cross, Vol. 87, No. 858, June 2005; 'The International Committee of the Red Cross's (ICRC's) confidential approach', policy document, December 2012, in International Review of the Red Cross, Vol. 94, No. 887, Autumn 2012, available at: <http://www.icrc.org/eng/resources/documents/article/review-2012/irrc-887-confidentiality.htm>.

گفت‌وگوهایی برای برقراری توازنی مناسب میان ضرورت‌های مشروع نظامی و منافع الزام‌آور بشردوستانه حیاتی است.

اما زمانی که گفت‌وگوهای محرمانه در ایجاد ارتقای مشخص درباره جمعیت‌های قربانی ناموفق است، سکوت درباره تعارضات میان سیاست‌های عمومی و چارچوب‌های حقوقی غیرقابل دفاع است. در چنین مواردی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ معتقد است، مطابق با مأموریت بشردوستانه‌اش مسئولیت دارد که روشی عمومی‌تر را نسبت به نقض‌های حقوق بشردوستانه ورود کند. دیدگاه‌های استوار و تغییرناپذیر طرف‌های ناقض برخی از قواعد اساسی حقوق بشردوستانه، نه فقط به هزینه‌های تراژیک برای مردمانی می‌انجامد که قربانی آن نقض هستند بلکه همچنین به زیان گسترده‌ای نسبت به تفکرات استراتژیک همان طرف، توانایی‌های طراحی‌اش و نهایتاً منافع ملی بلندمدت‌اش منجر می‌شود. نقش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، حفظ چشم بینا نسبت به این انتخاب‌ها، ارائه رهنمود به هنگام ضرورت و عرضه کمک‌های بشردوستانه به هنگام نیاز است.

اهمیت و ارزش گفت‌وگوهای جامع درباره چالش‌های بشردوستانه نمی‌تواند غلوآمیز باشد. حقوق بین‌الملل تعهدات حقوقی روشنی برای طرف‌های مخاصمه مسلحانه و دولت‌های عضو کنوانسیون‌های ژنو به لحاظ تضمین رعایت حقوق بشردوستانه برقرار کرده است. واقعیت هنوز این است که سازمان‌های بشردوستانه نظیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، با معضلات فزاینده‌ای درباره اجرای این قواعد و تصمیم‌گیری درباره بهترین [روش] انطباق کارهایش با مخاصمات مسلحانه روبه‌رو است؛ چه در اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی، چه [در سرزمین‌های گسترده‌تر] خاورمیانه یا در هر جایی از دنیا.

این معضلات پیش روی فعالیت بشردوستانه می‌تواند در سه پرسش کلیدی ترکیب شوند. اولاً، چگونه می‌توان توازنی عملی و قابل پذیرش میان ضرورت‌های امنیتی مشروع طرف‌های مخاصمه با حمایت مؤثر از جمعیت‌های غیرنظامی تعیین کرد؟ ثانیاً، چگونه می‌توان گفت‌وگوهای محرمانه درباره ملاحظات بشردوستانه را با طرف‌های یک مخاصمه انجام داد و در همان حال ضرورت فزاینده برای تعهد و شفافیت عمومی را محقق کرد؟ و ثالثاً، تا چه اندازه باید بر ضرورت‌های بشردوستانه کوتاه مدت مردمانی که قربانی مخاصمات طولانی مدت هستند متمرکز بود در حالی که [این ضرورت‌ها] در مقابل سرمایه‌گذاری بر مقاومت و خودکفایی این جوامع قرار می‌گیرد.

آینده فعالیت بشردوستانه به توانایی ما برای ورود به روشی عملی و فعال به این مباحث به همراه طرف‌های مخاصمه مسلحانه است. نقش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، تحمیل معیارها و تدریس درباره این معضلات نیست بلکه به نسبت، ورود به گفت‌وگویی واقعی و یافتن بهترین نتیجه ممکن در هر چارچوب پیش‌رو است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به جای پیش کشیدن یک خط فکری اعتقادی یا متعصبانه پیشنهاد می‌کند که

گفت‌وگویی ساختارمند درباره این معضلات ایجاد شده تا تجربه‌ها به اشتراک گذارده شود و راه‌حل‌های عملی در چارچوب حقوق بشردوستانه عرفی مشخص شوند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ همچنان باور دارد که ارتقای اجرای حقوق بشردوستانه – در سرزمین اشغالی فلسطین همانند دیگر موقعیت‌های مخاصمه مسلحانه یا اشغال در هر جایی از جهان – مولفه‌ای بسیار مهم در کمک به کاهش رنج همه افراد قربانی است.